

زبان‌شناسی فرهنگی

مفهوم‌سازی‌های فرهنگی و زبان



تألیف: پروفسور فرزاد شریفیان (استاد تمام دانشگاه موناخ استرالیا)

ترجمه: طاهره احمدی‌پور، پریا رزم‌دیده، حامد مولایی

(اعضای هیأت علمی دانشگاه ولی عصر^(عج) رفسنجان)

زبان‌شناسی فرهنگی

مفهوم‌سازی‌های فرهنگی و زبان

نویسنده:

پروفسور فرزاد شریفیان
دانشگاه موناخ

ترجمه‌ای از:

طاهره احمدی‌پور
پریا رزم‌دیده
حامد مولایی

(اعضای هیئت علمی دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان)

ویراستار علمی:

پروانه معاذاللهی
(عضو هیئت علمی دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان)

سرشناسه	شریفیان، فرزاد، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	Sharifian, Farzad زبان‌شناسی فرهنگی: مفهوم‌سازی‌های فرهنگی و زبان / نویسنده فرزاد شریفیان؛ ترجمه‌ای از طاهره احمدی پور، پریا رزم‌دیده، حامد مولایی؛ ویراستار علمی پروانه معاذاللهی.
مشخصات نشر	رفسنجان: دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، انتشارات ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۸۵ص.
شابک	978-600-99722-7-2
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	عنوان اصلی: Cultural linguistics: cultural conceptualisations and language, 2017
یادداشت	ویرانه.
یادداشت	کتابنامه: ۱۷۲.
عنوان دیگر	مفهوم‌سازی‌های فرهنگی و زبان.
موضوع	زبان و فرهنگ
موضوع	ارتباط میان فرهنگی
موضوع	دستور زبان شناختی
موضوع	زبان‌شناسی انسان‌شناختی
موضوع	Anthropological linguistics
شناسه افزوده	احمدی پور، طاهره، ۱۳۴۱ - مترجم
شناسه افزوده	رزم‌دیده، پریا، ۱۳۶۴ - مترجم
شناسه افزوده	مولایی، حامد، ۱۳۶۵ - مترجم
شناسه افزوده	معاذاللهی، پروانه، ۱۳۶۰ - ویراستار
شناسه افزوده	Maazallahi, Parvaneh
شناسه افزوده	دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، انتشارات
رده بندی کنگره	Pr5



عنوان: زبان‌شناسی فرهنگی: مفهوم‌سازی‌های فرهنگی و زبان

نویسنده: فرزاد شریفیان؛

مترجمان: طاهره احمدی پور، پریا رزم‌دیده، حامد مولایی

ویراستار علمی: پروانه معاذاللهی

ناشر: انتشارات دانشگاه ولی عصر (عج)

تیراژ: ۵۰۰

سال نشر: ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۷۲۲-۷-۲

قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

درباره نویسنده

فرزاد شریفیان، در سال ۲۰۰۳ با مدرک دکتری از دانشگاه ادیث کوان^۱، با دریافت چندین جایزه در دوران تحصیل و پس از آن، فارغ التحصیل شد و در سال ۲۰۰۵ به دانشگاه موناش^۲ پیوست. او مدیریت مرکز زبان و جامعه این دانشگاه را در سال ۲۰۰۸ برعهده گرفت و در سال ۲۰۱۱ به مقام استاد تمامی این دانشگاه رسید. ایشان، در سال ۲۰۱۵، استاد صاحب کرسی رشته «زبان‌شناسی فرهنگی» منصوب شد. پروفسور شریفیان از سال ۲۰۰۱ فعالیت‌های نظری و تحلیلی چشمگیری را، در توسعه «زبان‌شناسی فرهنگی» به‌عنوان یک رشته میان‌رشته‌ای، به ثمر رسانده‌است. او «زبان‌شناسی فرهنگی» را بنیان نهاد و در چندین حوزه تحقیقاتی—مانند هیجان و حوزه‌هایی از زبان‌شناسی کاربردی نظیر ارتباط بین فرهنگی، کاربردشناسی بین فرهنگی یا فرافرهنگی، آموزش انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی، انگلیسی‌های دنیا، و تحلیل گفتمان سیاسی—به‌کار گرفته‌است.

پروفسور شریفیان پایه‌گذار و سردبیر مجله بین‌المللی زبان و فرهنگ (انتشارات جان بنجامینز)^۳، سردبیر و مؤسس مجموعه کتاب‌های زبان‌شناسی فرهنگی (اشپرینگر)^۴، نویسنده کتاب مفهوم‌سازی‌های فرهنگی و زبان^۵ (۲۰۱۱)، انتشارات جان بنجامینز) و گردآورنده راهنمای زبان و فرهنگ روتلج (روتلج، ۲۰۱۵)^۶ است. او مقالات بی‌شماری در بسیاری از مجلات و کتاب‌های بین‌المللی برجسته به چاپ رسانده‌است. پروفسور شریفیان رئیس سابق انجمن زبان‌شناسی کاربردی استرالیا است. برخی از جوایز و افتخارات ایشان شامل موارد زیر است: مدال پژوهش از دانشگاه ادیث کوان (۲۰۰۳)، فوق‌دکتری انجمن پژوهش استرالیا (۲۰۰۳) و برنده جایزه استفاده از بورس تحقیقاتی بنیاد الکساندر فون هومبولت^۷ برای پژوهشگران مجرب (۲۰۱۲) آلمان.

سخن نویسنده

مایلم از گروه مترجمان و ویراستاران کتاب زبان‌شناسی فرهنگی ۲۰۱۷—دکتر طاهره احمدی‌پور، دانشیار زبان‌شناسی؛ دکتر پریا رزم‌دیده، استادیار زبان‌شناسی؛ دکتر حامد مولایی، استادیار زبان‌شناسی؛ دکتر پروانه معاذاللهی استادیار مترجمی زبان انگلیسی؛ و دکتر فهیمه شکیبا، استادیار زبان‌های ایرانی باستان—که همگی اعضای هیئت علمی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان در گروه زبان‌شناسی و مطالعات ترجمه دانشکده ایران‌شناسی هستند، تشکر کنم زیرا رویکردی حرفه‌ای به کار

¹ Edith Cowan University

² Monash University

³ *International Journal of Language and Culture* (John Benjamins)

⁴ *Cultural Linguistics* (Springer)

⁵ *Cultural Conceptualisations and Language*

⁶ *The Routledge Handbook of Language and Culture* (2015, Routledge)

⁷ Alexander von Humboldt Foundation

داشته و برای ترجمه همواره در پی رضایت من بوده‌اند. ترجمهٔ این گروه را به‌دقت بررسی کردم و آن را دقیق و کامل دیدم. این ترجمه افکار و نوشتهٔ مرا به‌خوبی منعکس می‌کند. ممکن است ترجمه‌های دیگری هم از این کتاب وجود داشته باشد، اما ترجمهٔ پیش رو تنها ترجمه‌ای است که من خوانده‌ام و آن را کاملاً تأیید می‌کنم. از انتشارات دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان و حوزهٔ معاونت پژوهشی این دانشگاه هم بابت چاپ کتاب سپاسگزارم. در پایان اینجانب از سرکار خانم دکتر الهام اخلاقی، مدرس دانشگاه فردوسی مشهد، برای مرور نهایی کتاب و بیان نظرات بسیار ارزشمند بی‌نهایت سپاسگزارم. این کتاب حاصل بیست سال افکار و پژوهش‌های من است امیدوارم برای خوانندگان نیز مفید باشد.

فرزاد شریفیان

آذر ۱۳۹۷

مایلم از پروفیسور رازلین م. فرانک^۱ برای تشویق‌ها، حمایت‌ها و خصوصاً توصیه‌های ارزشمند مداومشان در شکل‌گیری ایده‌ها و پژوهش‌های این اثر تشکر کنم. استاد برت پیترز^۲ نیز برای نظرات و پیشنهادات بسیار ارزشمندشان شایسته تشکر و قدردانی‌اند. همچنین از دست‌یار پژوهشی خود دکتر مرضیه صادق‌پور برای طراحی بیشتر تصاویر این اثر تشکر می‌کنم. از حمایت‌های انتشارات جان بنجامینز و خصوصاً ویراستار انتشارات، استر راث^۳، که شوق زیادی در مراحل آماده‌سازی این اثر نشان دادند، تشکر ویژه دارم. در حالی که بعضی بخش‌های این اثر جدید است، در نگارش این کتاب از بخش یا کل مقالات و (فصل‌هایی از) کتاب‌های زیر نیز استفاده شده‌است:

1. Sharifian, F. (2008). Conceptualizations of *del* 'heart-stomach' in Persian. In F. Sharifian, R. Dirven, N. Yu, & S. Niemeier (Eds.), *Culture, body, and language: Conceptualizations of internal body organs across cultures and languages* (pp. 247–265). Berlin: Mouton de Gruyter.
2. Sharifian, F. (2010). Cultural conceptualizations in intercultural communication: A study of Aboriginal and non-Aboriginal Australians. *Journal of Pragmatics*, 42(12), 3367–3376.
3. Sharifian, F. (2011). "They felt sorry about our Sorry": Indigenising English by Aboriginal Australians. *Asian Englishes*, 14(1), 70–73.
4. Sharifian, F. (2013). Cultural Linguistics and intercultural communication. In F. Sharifian, & M. Jamarani (Eds.), *Language and intercultural communication in the New Era* (pp. 60–79). London: Routledge.
5. Sharifian, F. (2013). Globalisation and developing metacultural competence in learning English as an International Language. *Multilingual Education*, 3(7), 11 pp.
6. Sharifian, F. (2014). Conceptual metaphor in intercultural communication between speakers of Aboriginal English and Australian English. In A. Musolff, F. MacArthur, & G. Pagani (Eds.), *Metaphor and intercultural communication* (pp. 117–130). London: Bloomsbury.
7. Sharifian, F. (2014). Cultural schemas as 'common ground'. In K. Burridge, & R. Benczes (Eds.), *Wrestling with words and meanings: Essays in honour of Keith Allan* (pp. 219–235). Clayton, VIC: Monash University Publishing.
8. Sharifian, F. (2015). Cultural Linguistics and World Englishes. *World Englishes*, 34(4), 515–532.
9. Sharifian, F. (2015). Language and culture: Overview. In F. Sharifian (Ed.), *The Routledge handbook of language and culture* (pp. 3–17). London: Routledge.

¹. Roslyn M. Frank

². Bert Peeters

³. Esther Roth

10. Sharifian, F. (2016). Cultural pragmatic schemas, pragmemes, and practs: A Cultural Linguistics perspective. In K. Allan, A. Capone, & I. Kecskes (Eds.), *Pragmemes and theories of language use* (pp. 505–519). Cham, CH: Springer.
11. Sharifian, F. (2017). Cultural Linguistics and linguistic relativity. *Language Sciences*, 59, 83–92.
12. Sharifian, F. (2017). Cultural Linguistics: The state of the art. In F. Sharifian (Ed.), *Advances in Cultural Linguistics*. Singapore: Springer Nature.

تمام آثار بالا تا حد بسیار زیادی بازبینی، گسترش، ادغام و بازنویسی شده‌اند تا کتاب حاضر تبدیل به اثری منسجم شود. مایلم از انتشاراتی که این مقالات و فصول کتاب را چاپ کرده‌اند، بابت اجازه استفاده از این آثار، نیز تشکر کنم. این کتاب با حمایت‌های مالی شورای پژوهش استرالیا^۱ (ARC Discovery Project DP140100353) نوشته شده است.

فرزاد شریفیان

مارس ۲۰۱۷

^۱. Australian Research Council

پیشگفتار نویسنده

مسئولان انتشارات جان بنجامینز در سال ۲۰۱۶ از علاقه به چاپ مجدد اثر «مفهوم‌سازی‌های فرهنگی و زبان» (۲۰۱۱)، به علت تقاضای بالای خرید کتاب، خبر داد. آن‌ها فرصت بازنگری اثر را به بنده دادند که از نظر من بسیار مناسب بود. پس از بررسی این پیشنهاد، به این نتیجه رسیدم که با توجه به در اختیار داشتن مطالب کافی می‌توان به فکر یک کتاب کاملاً جدید بود. این ایده را با مدیران انتشارات جان بنجامینز در میان گذاشتم؛ آن‌ها موافقت کردند تا کتابی با عنوان و شماره جدید چاپ کنیم. همان‌گونه که خوانندگان متوجه خواهند شد حجم بسیار کمی از مطالب کتاب ۲۰۱۱ در این اثر دوباره استفاده شده است. همان‌طور که در بخش تقدیر و تشکر بیان شد، بسیاری از بخش‌های کتاب حاضر به صورت مقاله یا فصلی از کتاب دیگر به چاپ رسیده‌اند. چندین بخش کتابی (همچون بخش روش‌های تحقیق) نیز جدید است و تازه‌حال چاپ نشده‌اند. روی هم‌رفته، اثر جدید افکار نظری و تحقیقات تجربی نگارنده دربارهٔ زبان‌شناسی فرهنگی از سال ۲۰۰۰ و پژوهش‌های مرتبط با دیگر محققان را پوشش می‌دهد. بسیار امیدوارم که این کتاب جرقه‌ای برای مطالعات دیگر میان زبان‌ها و گونه‌های زبانی باشد و منجر به بررسی مرزهای ناشناختهٔ زیادی شود.

همان‌گونه که در کتاب قبلی ذکر کردم تجربهٔ داشتن دو زبان و زندگی در دو جامعهٔ مختلف امتیازی است که مرا قادر ساخت تا ارزش بررسی رابطهٔ پیچیدهٔ بین زبان و مفهوم‌سازی‌های فرهنگی را درک کنم. فرصت نگارش این کتاب و اشتراک تجربیات محرک برای سازمان‌دهی ایده‌ها و پژوهش‌ها باعث خوشحالی اینجانب است. علاوه‌براین، مشاهدهٔ موفقیت‌های گسترده در حوزهٔ زبان‌شناسی فرهنگی، در چنین بازهٔ زمانی نسبتاً کوتاهی، موجب خرسندی من است. این موفقیت‌ها تا حدی در موارد زیر مشاهده شده است: الف) راه‌اندازی «مجلهٔ بین‌المللی زبان و فرهنگ» از سوی انتشارات بنجامینز (۲۰۱۴؛ ب) چاپ مجموعه کتاب‌های «زبان‌شناسی فرهنگی» از سوی انتشارات اشپرینگر^۱ (۲۰۱۵؛ پ) برگزاری مجموعه کنفرانس‌های بین‌المللی زبان‌شناسی فرهنگی که اولین آن در سال ۲۰۱۶ در پراتو^۲ ایتالیا برگزار شد. امیدوارم این موفقیت‌ها طی سالیان آتی روند روبه‌رشد خود را ادامه دهند.

^۱. Springer

^۲. Prato

مقدمه مترجمان

کتاب حاضر ترجمه‌ای از کتاب زبان‌شناسی فرهنگی نوشته پروفیسور فرزاد شریفیان - دارای کرسی استادی زبان‌شناسی فرهنگی در دانشگاه موناخ استرالیا - است. دو کتاب اصلی ایشان را مؤسسه انتشاراتی جان بنجامینز در سال ۲۰۱۷ چاپ کرده‌است که نقطه عطفی در تاریخ زبان‌شناسی فرهنگی محسوب می‌شود؛ یکی از آن دو کتاب حاضر است. با انتشار این دو کتاب، رشته نوپای زبان‌شناسی فرهنگی به جامعه علمی و به‌ویژه زبان‌شناسی معرفی شد؛ البته، پس از آن نیز آثار دیگری از همین نویسنده در این زمینه منتشر شده یا در حال انتشار است.

بخشی از کتاب زبان‌شناسی فرهنگی دیدگاه‌های نظری و تحلیلی و روش‌شناختی نویسنده را دربر دارد. جای‌جای این کتاب، تحلیل‌های مربوط به زبان، فرهنگ و شناخت را دربر می‌گیرد که در قالب گزارش پژوهش‌های گوناگون در طیفی از رخداد‌های مختلف زبان فارسی و حتی سایر زبان‌ها آورده شده‌است. علاوه‌براین نویسنده به‌درستی افق آینده و گسترش این رشته را بررسی و سعی کرده‌است تلاش اخیر پژوهشگران در حوزه زبان‌شناسی فرهنگی را نیز به مخاطبان نشان دهد.

بدیهی است جذابیت حوزه زبان‌شناسی فرهنگی و مقبول‌بودن دیدگاه‌های شریفیان در کتاب حاضر چنان است که گروه مترجمان حاضر را ترغیب کرد با انگیزه و علاقه به ترجمه آن اقدام ورزند. همچنین نبودن موضوع و پرداخته‌نشدن به آن در ایران، زنده و ملموس‌بودن مباحث و نیز در دسترس‌بودن و توجه و همراهی نویسنده در طول مسیر، انجام‌دادن ترجمه را تجربه‌ای شیرین و دوست‌داشتنی نموده و راه را برای فعالیت‌های بیشتر در آینده باز گذاشته‌است. گروه مترجمان، به‌عنوان اعضای هیئت علمی دانشگاه، به امکان اختصاص این موضوع در واحدهای درسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و موضوعات پایان‌نامه‌ای در این حوزه نیز نیم‌نگاهی داشته‌اند که این به‌خودی‌خود انگیزه دیگری برای کسب تجربه از این راه به حساب آمد. گفتنی است جامعه هدف دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پژوهشگران عرصه زبان‌شناسی و رشته‌های مرتبط به آن است؛ گرچه پژوهشگران علاقمند در دیگر زمینه‌های علمی نیز می‌توانند از آن بهره جویند.

این کتاب سه مترجم اصلی و دو ویراستار تخصصی و زبانی داشته است. علاوه‌براین، از مشورت و همفکری نویسنده برای روان‌تر کردن متن بهره برده شده‌است. مشکلات پیش رو در ترجمه بیشتر مربوط به اصطلاحات نو و ناآشنای تخصصی زبان‌شناسی فرهنگی بود که گاه یافتن معادلی پسندیده در زبان فارسی کار را دشوار می‌کرد. از این رو، مترجمان برای انتخاب واژه مناسب از مشورت نویسنده و دیگر صاحب‌نظران بهره برده یا با ساختن معادل‌ها به نتیجه رسیده‌اند. همچنین، واژه‌نامه تخصصی زبان‌شناسی فرهنگی، حاوی اصطلاحات موجود در کتاب، جمع‌آوری و تنظیم شده و در پایان کتاب

آورده شده است. از آنجا که زبان‌شناسی فرهنگی رشته‌ای نوپا است و هنوز در زبان فارسی و حتی در زبان انگلیسی فرهنگ توصیفی ندارد، ایده گردآوری و تدوین فرهنگ واژگان این کتاب پیشنهاد می‌شود.

اینجا لازم است از کسانی که در انتشار این کتاب کوشش کرده‌اند نهایت تشکر شود. از حوزه معاونت پژوهشی و ریاست انتشارات دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان، که از ابتدای شروع این فعالیت کمال همکاری و همراهی را داشتند، قدردانی می‌کنیم که از مرحله استعلام ترجمه و طرح در جلسات گوناگون پژوهشی تا اخذ داوری‌های معتبر از استادان صاحب‌نظر و در نهایت چاپ کتاب از هیچ گونه کمکی دریغ نکردند. از زحمات خانم دکتر فهیمه شکیبا نیز برای ویرایش دقیق زبانی و ادبی ترجمه حاضر بسیار سپاسگزاریم.

مترجمان این کتاب واقف‌اند، علی‌رغم تلاش‌های بسیار، این ترجمه بی‌نقص و عیب نیست. هرچند سعی شده است همه نقطه‌نظرهای نویسنده تا حد امکان صحیح و دقیق بازتاب داده شود، اما شاید در مواردی حق مطلب ادا نشده یا مواردی از چشم افتاده باشد. بنابراین، نخست از نویسنده فرهیخته و بااخلاق اثر و سپس از مؤسسه انتشاراتی جان بنجامینز و همچنین از خوانندگان محترم پوزش می‌طلبیم و نظرات ارزشمندشان را پذیراییم.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل ۱: زبان‌شناسی فرهنگی	۱
کلیات	۱
۱.۱ زبان‌شناسی فرهنگی	۲
۲.۱ چارچوب نظری «زبان‌شناسی فرهنگی»	۴
۳.۱ چارچوب تحلیلی «زبان‌شناسی فرهنگی»	۹
۴.۱ ارزیابی «زبان‌شناسی فرهنگی»	۱۳
فصل ۲: مفهوم‌سازی‌های فرهنگی و زبان	۱۵
چارچوب تحلیلی	۱۵
۱.۲ طرح‌واره‌های فرهنگی	۱۵
۲.۲ مقوله‌های فرهنگی	۲۰
۳.۲ استعاره‌های فرهنگی	۲۵
۳.۲.۱ استعاره‌های فرهنگی مربوط به زمین	۲۶
۳.۲.۲ استعاره‌های فرهنگی مربوط به دارو	۲۸
۳.۲.۳ استعاره‌های فرهنگی خلاقانه	۲۹
۳.۲.۴ پیوستار پردازش‌شناختی استعاره‌های فرهنگی	۲۹
۴.۲ کلام آخر	۳۱
فصل ۳: استعاره‌های فرهنگی و جسمانی	۳۳
۱.۳ جسمانی و شناخت جسمانی‌شده	۳۳
۲.۳ مفهوم‌سازی‌های مرتبط با واژه «دل» در فارسی معاصر	۳۵
۳.۳ دل در مفاهیم روانشناختی، ذهنی و شخصی	۳۶
۳.۳.۱ دل جایگاه عواطف، احساسات و علائق	۳۷
۳.۳.۲ دل مرکز تفکر و حافظه	۴۰
۳.۳.۳ دل مرکز خصیصه‌های شخصیتی، شخصیت و حالت روحی	۴۱
۴.۳ خلاصه مطالب	۴۳
۴.۳ مفهوم‌سازی‌های فرهنگی درباره مفهوم دل	۴۴
۵.۳ طب سنتی ایرانی و اصطلاحات مربوط به دما در زبان فارسی	۴۶

۴۷	۳. ۶ کلام آخر
۴۹	فصل ۴: روش‌های پژوهش در «زبان‌شناسی فرهنگی»
۵۱	۴. ۱ تحلیل مفهومی-تداعی
۵۲	۴. ۲ تحلیل مفهومی یادآوری داستان
۵۵	۴. ۳ تحلیل (فرا)گفتمانی
۵۷	۴. ۴ تحلیل پیکره‌بنیاد
۵۸	۴. ۵ تحلیل‌های قوم‌نگاشتی-مفهومی همراه تحلیل‌های متنی یا دیداری
۶۰	۴. ۶ تحلیل مفهومی هم‌زمانی یا درزمانی
۶۱	۴. ۷ کلام آخر
۶۲	فصل ۵: زبان‌شناسی فرهنگی و کاربردشناسی
۶۳	۵. ۱ کارگفت موقعیتی و کارگفت عینی
۶۴	۵. ۲ طرح‌واره‌های کاربردشناختی
	۵. ۳ طرح‌واره‌های کاربردشناختی، کارگفت‌ها یا رویدادهای گفتاری، کارگفت‌های موقعیتی و
۶۶	کارگفت‌های عینی
۶۶	۵. ۳. ۱ شکسته‌نفسی
۶۸	۵. ۳. ۲ شرمندگی
۶۹	۵. ۳. ۳ رودربایستی
۷۰	۵. ۳. ۴ تعارف
۷۳	۵. ۴ طرح‌واره‌های کاربردشناختی و شناخت فرهنگی
۷۵	۵. ۵ کلام آخر
۷۷	فصل ۶: زبان‌شناسی فرهنگی و پژوهش دربارهٔ احساس
۷۹	۶. ۱ مفهومی‌سازی‌های فرهنگی مربوط به غم در فارسی
۸۲	۶. ۲ مفهومی‌سازی فرهنگی غرور در انگلیسی بریتانیایی و معادل آن در لهستانی
۸۳	۶. ۳ واژه باران در انگلیسی بومیان استرالیایی
۸۴	۶. ۴ واژه تأسف در انگلیسی بومیان استرالیایی
۸۶	۶. ۵ کلام آخر

فصل ۷: زبان‌شناسی فرهنگی و مذهب.....	۸۷
۱. مفهوم‌سازی‌های مرتبط با زندگی صوفیانه.....	۸۷
۲. مفهوم‌سازی‌های مربوط به مرگ در اصطلاحات مدح و ثنا در آیین بودایی و مسیحی.....	۹۰
۳. مفهوم‌سازی‌های مربوط به مکان‌های مقدس در انگلیسی بومیان استرالیایی.....	۹۱
۴. کلام آخر.....	۹۳
فصل ۸: «زبان‌شناسی فرهنگی» و گفتمان سیاسی.....	۹۴
۱. گفتمان سیاسی و مفهوم‌سازی‌های فرهنگی.....	۹۴
۲. مفهوم‌سازی‌های مربوط به واژه دموکراسی در گفتمان سیاسی کشور غنا.....	۹۵
۳. استعاره فرهنگی «ملت به مثابه یک کالبد».....	۹۶
۴. مفهوم‌سازی‌های ریاضت در گفتمان سیاسی.....	۹۶
۵. مفهوم‌سازی‌های فرهنگی مربوط به موقعیت‌های نظامی در زبان انگلیسی.....	۹۷
۶. کلام آخر.....	۹۹
فصل ۹: «زبان‌شناسی فرهنگی» و گونه‌های زبان انگلیسی در دنیا.....	۱۰۰
۱. فرایندهای بومی‌سازی.....	۱۰۱
۲. طرح‌واره‌های فرهنگی در گونه‌های انگلیسی دنیا.....	۱۰۲
۳. مقوله‌های فرهنگی در گونه‌های انگلیسی دنیا.....	۱۰۴
۴. استعاره‌های فرهنگی در گونه‌های انگلیسی دنیا.....	۱۰۵
۵. پژوهش‌های جدید درباره گونه‌های زبان انگلیسی در دنیا از منظر «زبان‌شناسی فرهنگی».....	۱۰۶
۶. کلام آخر.....	۱۱۱
فصل ۱۰: «زبان‌شناسی فرهنگی» و ارتباط میان فرهنگی.....	۱۱۳
۱.۱۰ (عدم) ارتباط میان فرهنگی بین استرالیایی‌های بومی و غیر بومی.....	۱۱۴
۲.۱۰ کلام آخر.....	۱۱۹
فصل ۱۱: «زبان‌شناسی فرهنگی» و آموزش انگلیسی به‌عنوان یک زبان بین‌المللی.....	۱۲۱
۱.۱۱ جهانی‌سازی و ارتباط معنایی آن با مفهوم «گوینده بومی».....	۱۲۲
۲.۱۱ «توانش» در آموزش زبان خارجی.....	۱۲۴
۳.۱۱ توانش فرافرهنگی و یادگیری انگلیسی به‌عنوان یک زبان خارجی.....	۱۲۸
۴.۱۱ توسعه توانش فرافرهنگی با فناوری جدید.....	۱۳۰

۱۳۱	۱۱. ۵. کلام آخر.....
۱۳۳	فصل ۱۲: «زبان‌شناسی فرهنگی» و نسبیت زبانی.....
۱۳۴	۱۲. ۱. سه پیشگام در حوزه نسبیت زبانی.....
۱۳۵	۱۲. ۱. ۱. فرانز بواس.....
۱۳۶	۱۲. ۱. ۲. ادوارد سیر.....
۱۳۸	۱۲. ۱. ۳. بنجامین لی وورف.....
۱۴۱	۱۲. ۲. «زبان‌شناسی فرهنگی» و نسبیت زبانی.....
۱۴۴	۱۲. ۳. نسبیت زبانی و توزیع مفهومی.....
۱۴۵	۱۲. ۴. کلام آخر.....
۱۴۷	فصل ۱۳: آخرین پیشرفت‌ها و جدیدترین پژوهش‌ها درباره زبان و فرهنگ.....
۱۴۷	۱۳. ۱. راهنمای زبان و فرهنگ روتلج.....
۱۶۶	۱۳. ۲. پیشرفت‌های «زبان‌شناسی فرهنگی».....
۱۸۰	۱۳. ۳. سایر پژوهش‌های اخیر.....
۱۸۲	۱۳. ۴. کلام آخر.....
۱۸۳	English Glossary.....

فهرست شکل‌ها

صفحه

عنوان

- شکل ۱. نمایی کلی از چارچوب تحلیلی و نظری در «زبان‌شناسی فرهنگی» ۴
- شکل ۲. چارچوب نظری «زبان‌شناسی فرهنگی» ۸
- شکل ۳. ارتباط مفهوم‌سازی فرهنگی با حوزه‌ها یا رشته‌های مختلف ۹
- شکل ۴. چارچوب تحلیلی «زبان‌شناسی فرهنگی» ۱۱
- شکل ۵. پیوستار پردازش‌شناختی استعاره‌های فرهنگی ۳۱
- شکل ۶. مفهوم‌سازی‌های واژه دل در فارسی ۴۳
- شکل ۷. ریشه‌های تاریخی ممکن درباره مفهوم‌سازی واژه دل در فارسی معاصر ۴۵
- شکل ۸. تحلیل سه مرحله‌ای تحلیل فراگفتمانی (برگرفته از شریفیان و طیبی (۲۰۱۷) الف،
 ۲۰۱۷ ب) ۵۶
- شکل ۹. مراحل شناسایی مفهوم‌سازی‌های فرهنگی در متون درسی برگرفته از دینح (۲۰۱۷) ۵۹
- شکل ۱۰. نمونه‌ای از یک مجموعه کاربردشناختی ۶۶
- شکل ۱۱. رابطه بین طرح‌واره‌های کاربردشناختی، کارگفت‌ها، کارگفت‌های موقعیتی و
 کارگفت‌های عینی ۷۳
- شکل ۱۲. نمایش نموداری یک طرح‌واره فرهنگی ۷۵
- شکل ۱۳- چارچوب تحلیلی پژوهش درباره احساس از منظر «زبان‌شناسی فرهنگی» ۷۹
- شکل ۱۴: مراحل تکامل و پیشرفت روح آدمی در گذر از طریقت صوفیانه (بر اساس نوریخس،
 ۱۹۹۲، ص. ۳) ۸۸
- شکل ۱۵. مجموعه و زیرمجموعه‌هایی از فرضیه‌های مرتبط با تأثیر زبان بر تفکر (وولف و
 هولمز، ۲۰۱۱، ص. ۲۵۴) ۱۴۵

فهرست جدول‌ها

صفحه

عنوان

- جدول ۱. دیدگاه‌های به کار رفته در ایالات متحده برای مطالعه رابطه زبان و فرهنگ ۲
- جدول ۲. نمایی از کتاب پیشرفت‌های زبان‌شناسی فرهنگی انتشارات اشپرینگر ۱۶۷

فصل ۱

زبان‌شناسی فرهنگی

کلیات

علاقه به بررسی رابطه زبان و فرهنگ دست‌کم به قرن هجدهم میلادی برمی‌گردد. افرادی مانند بلونت^۱ (۱۹۹۵)، لیویت^۲ (۲۰۱۵ الف)، ویلهلم فُن هومبالت^۳ (۱۸۳۵-۱۷۶۷)، فرانز بوآز^۴ (۱۸۵۸-۱۹۴۲)، ادوارد سیپیر^۵ (۱۸۸۴-۱۹۳۹) و بنجامین وورف^۶ (۱۸۹۷-۱۹۴۱) برجسته‌ترین پژوهشگرانی هستند که بر رابطه زبان، اندیشه و فرهنگ تأکید کرده‌اند؛ باوجوداین، تاکنون زیرشاخه علمی و منسجمی در این باره تبیین نشده‌است که به‌طور خاص به رابطه زبان و فرهنگ بپردازد. دورانتی^۷ (۲۰۰۳)، صرفاً با تمرکز بر پیشینه پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره رابطه زبان و فرهنگ در ایالات‌متحده، سه دیدگاه متفاوت را تشخیص داده‌است که در جدول ۱ حوزه اصلی و مورد پژوهش این دیدگاه‌ها با تعریف آن‌ها از زبان و همچنین عناوین آن‌ها به تفصیل آورده شده‌است. دورانتی تطوّر هر یک از این دیدگاه‌ها را مربوط به دوره زمانی خاصی می‌داند، اما معتقد است که در عصر حاضر هر سه به کار می‌روند.

1. Blount

2. Leavitt

3. Wilhelm von Humboldt

4. Franz Boas

5. Edward Sapir

6. Benjamin Whorf

7. Duranti

جدول ۱. دیدگاه‌های به‌کار رفته در ایالات‌متحده برای مطالعه رابطه زبان و فرهنگ

حوزه اصلی پژوهش	تعریف زبان	عنوان‌های مرتبط
مستندسازی، توصیف و طبقه‌بندی زبان‌های بومی	زبان یعنی واژگان و دستور	زبان‌شناسی مردم‌شناختی
کاربرد زبان در یافت	زبانی که بر مبنای فرهنگ سازمان می‌یابد	مردم‌شناسی
	سایر حوزه‌ها را از منظر فرهنگی سازمان می‌دهد	زبان‌شناختی، قوم‌نگاری گفتار
شکل‌گیری هویت، روایت و جهان‌بینی	زبان نتیجه تعامل بوده و مملو از ارزش‌هایی است که سایر مقوله‌ها را شاخص‌گذاری می‌کند	ساختارگرایی اجتماعی

زیرشاخه علمی و منسجمی که به مطالعه زبان و فرهنگ بپردازد بسیار کند شکل گرفته و این امر یقیناً تا حد زیادی به علت دشواری در تعریف اصطلاحات مرتبط با هم بوده‌است. زبان چیست؟ فرهنگ چیست؟ طی قرن گذشته، سؤال نخست از دیدگاه‌های متفاوتی پاسخ داده شده‌است. این پاسخ‌ها طیف وسیعی از تعاریف زبان به عنوان یک نظام شناختی یا توانایی ذهن برای به‌کار بردن آن به عنوان یک کنش تا تعریف زبان در جایگاه یک عمل اجتماعی یا به عنوان یک نظام تطابقی پیچیده را شامل می‌شود. فرهنگ نیز به‌طور مشابه در مکاتب فکری گوناگون به روش‌های متفاوت تعریف می‌شود. برای مثال، فرهنگ به عنوان نظامی شناختی، نظامی نمادین، فعالیتی اجتماعی یا به مثابه یک ساختار شناخته شده‌است نک. فولی^۱ (۱۹۹۷)، میلز^۲ (۲۰۱۵) و اتکینسون^۳ (۲۰۱۵). افزون بر این، پیوند بین زبان، فرهنگ و اندیشه پرسش‌های گوناگونی را در رشته‌های علمی مختلف پیش رو می‌گذارد؛ پژوهشگران هر رشته نیز به روش‌های گوناگون به این پرسش‌ها می‌پردازند.

۱.۱ زبان‌شناسی فرهنگی

طبق تعریف پیترز^۴ (۲۰۱۶)، حوزه کلی‌ای را که به پژوهش درباره‌ی رابطه زبان و فرهنگ می‌پردازد می‌توان اصطلاحاً *زبان‌شناسی فرهنگی* نامید. این اصطلاح در آرای افرادی مانند پامر^۵ (۱۹۹۶) نیز به‌کار رفته‌است، اما از نظر اندرهیل^۶ (۲۰۱۲) اصطلاح متداول‌تر «زبان‌شناسی قومی»

^۱. Foley

^۲. Mills

^۳. Atkinson

^۴. Peeters

^۵. Palmer

^۶. Underhill

است که به گفته دورانتی (۲۰۰۹، ص. ۳۳) همواره در اروپا رایج‌تر بوده است. نویسنده در اثر کنونی و همچنین در تمامی نوشته‌های اخیرش (نک. شریفیان، ۲۰۱۱ الف، ۲۰۱۲، ۲۰۱۷) اصطلاح «زبان‌شناسی فرهنگی» را با علامت گیومه به کار می‌برد تا توجه خواننده را به تعریف دیگری از این اصطلاح جلب کند. طبق این تعریف، «زبان‌شناسی فرهنگی» رشته‌ی تازه‌تأسیسی است که از پیوند چند رشته علمی متفاوت به دست می‌آید، پس ماهیت چند رشته‌ای دارد. به علاوه، این رشته در پی آشکارکردن رابطه میان زبان و مفهوم‌سازی^۱ فرهنگی است. «زبان‌شناسی فرهنگی» به مطالعه آن دسته از ویژگی‌های زبان‌های بشری می‌پردازد که نشأت گرفته از مفهوم‌سازی‌های فرهنگی است یا با مثال‌هایی ملموس و واضح نشان داده می‌شود. این مفهوم‌سازی‌ها ساخته و پرداخته فرهنگ است و همه تجارب بشری را دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر، بسیاری از ویژگی‌های زبان‌های بشری در مفاهیم فرهنگی ریشه دارد یا از طریق آن‌ها به ثبات رسیده‌است.

«زبان‌شناسی فرهنگی» برای ساخت پایه‌های نظری خود از چند رشته یا زیررشته علمی بهره برده‌است که عبارت است از: روان‌شناسی شناختی، علوم پیچیدگی،^۲ شناخت توزیعی^۳ و مردم‌شناسی. آن گونه که از تحقیقات شریفیان (۲۰۱۱ الف، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ الف) و همچنین پژوهش‌های مشترک شریفیان و پامر (۲۰۰۷ الف) برمی‌آید، این رشته در چند حوزه زبان‌شناسی کاربردی (انتقادی) — از جمله ارتباطات بین فرهنگی، کاربردشناسی بین فرهنگی، زبان‌های انگلیسی دنیا، تدریس زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی و تحلیل کلام سیاسی — به کار رفته و همچنین از این رشته‌ها بهره گرفته‌است.

«زبان‌شناسی فرهنگی» برای بررسی مفاهیم فرهنگی‌ای که اساس کاربردهای ما از زبان‌های بشری است دو چارچوب نظری و تحلیلی ارائه می‌کند. شکل ۱ خلاصه‌ای از این دو چارچوب را نشان می‌دهد که بعداً در بخش‌های ۱.۲ و ۱.۳ به توصیف آن‌ها می‌پردازیم. دو دایره سمت چپ چارچوب نظری — مشتمل بر طرح‌واره‌ها، مقوله‌ها و استعاره‌های فرهنگی — را به تصویر می‌کشد؛ این اجزا مختص مفاهیم فرهنگی هستند. دو دایره پایینی بیان‌کننده چارچوب تحلیلی هستند که متشکل از طرح‌واره‌ها، مقوله و استعاره‌های فرهنگی هستند و در «زبان‌شناسی فرهنگی» به عنوان ابزار تحلیل از آن‌ها استفاده می‌شود.

1. Conceptualisation

2. Complexity science

3. Distributed cognition



شکل ۱. نمایش کلی از چارچوب تحلیلی و نظری در «زبان‌شناسی فرهنگی»

۲.۱ چارچوب نظری «زبان‌شناسی فرهنگی»

هسته اصلی چارچوب نظری در «زبان‌شناسی فرهنگی» مفهوم «شناخت فرهنگی» است. آن گونه که از پژوهش‌های افرادی مانند شریفیان (۲۰۰۹ الف، ۲۰۱۱ الف) برمی‌آید، این مفهوم تعریفی منسجم از مفاهیم «شناخت» و «فرهنگ» را در ارتباط با زبان به‌دست می‌دهد. در آرای افرادی مانند کلارک^۱ و چالمرز^۲ (۱۹۹۸)، ساتن^۳ (۲۰۰۵، ۲۰۰۶) و آرای. ویلسن^۴ (۲۰۰۵) مفهوم «شناخت فرهنگی» تعریفی بین‌رشته‌ای از شناخت است که فراتر از سطح ذهن فردی است. به تعبیر فرنک^۵ (۲۰۱۵، ص ۴۹۴)، شناخت فرهنگی «حالتی از شناخت است [...] که صرفاً در پی ارائه ماهیتی سطحی‌نگر و انتزاعی نیست». در مقایسه با نظر استوارت^۶، گپنو^۷ و دی‌پائولو^۸ (۲۰۱۱)، شناخت فرهنگی نوعی «شناخت پویا»^۹ است که در نتیجه تعامل‌های زبان‌شناختی و اجتماعی بین افراد در طول زمان

1. Clark

2. Chalmers

3. Sutton

4. R. A. Wilson

5. Frank

6. Stewart

7. Gapenne

8. Di Paolo

9. Enactive cognition

و مکان حاصل می‌شود (نک. کاولی^۱ و والی-توزانگو^۲، ۲۰۱۳). در دیدگاه هاتچینز^۳ (۱۹۹۴) و شریفیان (۲۰۰۸ الف)، اساساً عناصر شناخت فرهنگی یک جامعهٔ زبانی یکسان بین سخنگویان آن جامعه به اشتراک گذاشته نمی‌شود، این اصل تا حدی صادق است که شناخت فرهنگی را بتوان شکلی از شناخت توزیعی دانست که نامساوی توزیع شده‌است. زیرا که متکلمان یک جامعهٔ زبانی از لحاظ درونی‌سازی شناخت فرهنگی یا دسترسی به آن متفاوت هستند. علاوه‌براین، شناخت فرهنگی از این نظر پویا است که در طول نسل‌ها از طریق ارتباط بین جوامع زبانی یکسره درباره‌اش بحث، نقد و بازنگری مجدد شده‌است.

مطالعهٔ شناخت فرهنگی با برخی تحقیقاتی که در زیررشته‌های علمی و دیدگاه‌های خرد در علوم شناختی انجام می‌شود برابری می‌کند (نیز نک. به فرنک، ۲۰۱۵). برای مثال پژوهشگرانی مانند هلند^۴ (۱۹۹۵) و والدروپ^۵ (۱۹۹۲) — که در حوزهٔ علوم پیچیدگی تحقیق می‌کنند — اغلب تحت عنوان سرفصل نظام‌های تطابقی پیچیده^۶ در پی پاسخ به این پرسش هستند که چگونه روابط میان بخش‌ها یا عوامل یک نظام یا گروه باعث تحقق رفتارهای جمعی می‌شود. به همین ترتیب، «زبان‌شناسی فرهنگی» به بررسی شناخت فرهنگی به عنوان یک نظام تطابقی پیچیده می‌پردازد که در نتیجهٔ تعامل بین اعضای یک جامعهٔ زبانی در زمان و مکان ظهور می‌یابد. از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های اصلی یک نظام تطابقی پیچیده این است که خصوصیات نوحاسته و تکوینی را آشکار می‌کند. هنگامی که شناخت فرهنگی به عنوان یک نظام تطابقی در نظر گرفته شود، ویژگی‌های نوحاسته و تکوینی‌ای که در نتیجهٔ تعامل بین اعضای جامعهٔ زبانی در طول زمان و مکان به وجود می‌آید نیز آشکار می‌شود. ویژگی‌های حاصل از شناخت فرهنگی به عنوان یک نظام جهانی، یعنی سطح کلان، صرفاً نشان‌دهنده و بازتاب‌دهندهٔ دقیق ویژگی‌های بارز در شناخت هر فرد، یعنی سطح خرد، نیست؛ علاوه‌براین، بیان‌کنندهٔ مجموع شناخت‌های فردی افراد در یک گروه هم نیست. دربارهٔ زبان هم این نکته صدق می‌کند. به گفتهٔ فرنک (۲۰۰۸، ص. ۲۴۳):

در سطح کلان، یعنی در سطح جهانی، «زبان» را می‌توان پدیده‌ای نوحاسته و تکوینی دانست؛ این پدیده تأثیر جمعی رفتار توزیعی و نامتجانس عامل‌های زبانی است که در بافت اجتماعی فرهنگی قرار گرفته‌اند. به بیان واضح‌تر، سطح جهانی یا کلان ساختار را می‌توان پدیده‌ای نوحاسته و تکوینی

^۱. Cowley

^۲. Vallée-Tourangeau

^۳. Hutchins

^۴. Holland

^۵. Waldrop

^۶. Complex Adaptive System (CAS)

دانست که از پاره‌گفتارهای عوامل زبانی حاصل می‌شود. پاره‌گفتارها هم به نوبه خود بر مبنای «لهجه شخصی» عامل‌های فردی ایجاد می‌شوند. از این رو، با تغییر دیدگاه می‌توانیم بر سطح خردساختار (یعنی سطح فردی)، سطح محلی (یعنی رفتار عامل‌های زبانی) یا سطح کلان ساختار (یعنی جمعی یا جهانی) تمرکز کنیم؛ البته بایستی به‌خاطر داشت که ویژگی‌های جهانی از مجموع رفتار افراد سرچشمه می‌گیرد هرچند کنش افراد تنها عامل ایجاد تغییر در نظام نیست.

یکی از ویژگی‌های بسیار مرتبط با نظام‌های پیچیده این است که مجموع اجزای سازنده نظام با کل آن یکی نیست. به همین ترتیب، شناخت فرهنگی را می‌توان نظام پیچیده‌ای دانست که در آن شناخت فرد با شناخت جامعه زبانی‌اش برابری نمی‌کند. علاوه‌براین، ضمن تحلیل شناخت فرهنگی در می‌یابیم که کنترل در قالب سیستمی متمرکز عمل نمی‌کند، بلکه در سراسر گروه توزیع می‌شود. به‌علاوه، نظام‌های پیچیده ویژگی‌های بسیار دیگری نیز دارند که یکی تودرتو بودن آن‌ها است؛ بدین معنا که عامل‌های تشکیل‌دهنده یک نظام، خود نظام‌هایی تطابقی و پیچیده هستند. به همین صورت، اعضای یک جامعه زبانی به عنوان عامل‌های شناخت فرهنگی به نوبه خود نظام‌های پیچیده‌ای محسوب می‌شوند که از طریق سیستم‌های عصبی، درون‌ریز و مانند این‌ها کنترل می‌شوند. از لحاظ تاریخچه تعاملات، می‌توان برای شناخت‌های فرهنگی نیز، همچون دیگر نظام‌های پیچیده، تاریخچه منحصر به فردی از تعاملات را در نظر گرفت که همواره برای ساخت و بازسازی نظام مشغول فعالیت هستند. تغییرات اندک در تعاملات جوامع زبانی غالباً تأثیر چشمگیری بر جهت‌گیری شناخت فرهنگی این جوامع در آینده دارد. این دیدگاه در آثار ویگاتسکی^۱، همچون تحقیقات او در سال ۱۹۸۷، نیز ارائه شده‌است. از نظر ویگاتسکی، پدیده‌های شناختی ویژگی‌های روابط اجتماعی فرهنگی وابسته به زمان را دارند.

نظام‌های پیچیده «نظام‌هایی باز» هستند. از این رو، تعیین حدود آن‌ها کار دشواری است که تا به حال به آن پرداخته نشده‌است. تصمیم‌گیری درباره اینکه چه محدوده‌ای را می‌توان حدومرز چنین نظام‌هایی دانست، بیش از آنکه بر ویژگی‌های ذاتی این نظام‌ها استوار باشد، غالباً بر مبنای نیازها و تعصب‌های مشاهده‌کننده استوار است. این ویژگی درباره شناخت فرهنگی نیز صادق است؛ از این نظر اگر نگوییم غیرممکن است باید بگوییم بسیار دشوار است که همچنین بتوان مرز دقیقی برای آغاز و پایان جامعه‌های زبانی در نظر گرفت. تعیین آغاز و پایان مرز یک جامعه زبانی، اگر چه غیرممکن نیست، دشوار است.

^۱. Vygotsky

در شناخت فرهنگی مانند سایر انواع نظام‌های پیچیده، می‌توان برای عامل فردی نقش دوگانه‌ای قائل شد. به این صورت که فرد، از یک منظر، منبع شناخت فرهنگی و علت اساسی تکوین، اشاعه و استحکام آن است و از منظر دیگر، عملکرد فرد به میزان متغیری منوط به شناخت فرهنگی است که جامعه زبانی را تعریف می‌کند. از این رو، می‌توان نقش فرد در جامعه زبانی را بر حسب چرخه‌ای از روابط علی و معلولی توصیف کرد. به عقیده فرنک (۲۰۱۵ ص. ۴۹۷)، «از طریق 'زبان‌شناسی فرهنگی' و با اتخاذ رویکرد نظام تطابقی پیچیده و همچنین سایر ابزارهای تحلیلی مانند 'شناخت توزیعی' زمینه گفتگوی مؤثر میان پژوهشگران حوزه علوم انسانی و محققان زیرشاخه‌های علم‌شناختی فراهم می‌شود.»

به گفته وا تیانگو^۱ (۱۹۸۶)، زبان به عنوان جنبه اصلی شناخت فرهنگی و به مثابه «بانک حافظه جمعی» دربر دارنده اطلاعات شناخت فرهنگی در یک جامعه زبانی عمل می‌کند. عناصر شناخت فرهنگی، بسیاری از جنبه‌های گفتار در یک جامعه زبانی را شکل می‌دهند؛ این عناصر در سطوح مختلف طی تاریخ آن جامعه زبان رایج بوده و بر عملکردهای زبانی متعاقب خود تأثیر گذاشته‌اند. از این لحاظ، زبان را می‌توان سازوکاری اولیه برای «ذخیره» و تبادل شناخت فرهنگی دانست؛ به عبارت دیگر، زبان به عنوان بانک حافظه جایگاهی سیال برای تبادل (مجدد) شناخت فرهنگی است.

شکل ۲ چارچوب نظری «زبان‌شناسی فرهنگی» را نشان می‌دهد؛ این چارچوب ما را در درک مفهوم‌سازی فرهنگی و همچنین نحوه تحقق آن‌ها در زبان یاری می‌کند. زبان در رابطه با مفهوم‌سازی فرهنگی نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کند. از یک سو، تعامل‌های زبان‌شناختی در تکوین مفهوم‌سازی‌های فرهنگی نقشی اساسی دارند، زیرا فضایی برای متکلمان یک جامعه زبانی فراهم می‌کنند تا به‌تنهایی یا گروهی درباره تجربیاتشان دست به معناسازی بزنند. از سوی دیگر آن گونه که در آرای افرادی مانند شریفیان (۲۰۰۳، ۲۰۱۱ الف) آمده‌است، مفهوم‌سازی فرهنگی نه تنها از بسیاری جنبه‌های زبان (از جمله جنبه‌های ساختاری و کاربردی) بهره می‌برد بلکه آن را نیز منعکس می‌کند. از این رو، مطالعه زبان به خودی خود در مقیاس کوچک‌تر باعث درک مفهوم‌سازی فرهنگی می‌شود و در مقیاس بزرگ‌تر نقش مهمی در آگاهی ما با شناخت‌های فرهنگی مرتبط با زبان‌ها و گونه‌های زبانی ایفا می‌کند.

^۱. Wa Thiongo



شکل ۲. چارچوب نظری «زبان‌شناسی فرهنگی»

مفهوم‌سازی فرهنگی را، علاوه بر زبان، می‌توان در بسیاری جنبه‌های دیگر زندگی افراد نیز مشاهده کرد. چند مورد از این جنبه‌ها که در شکل ۳ نمایش داده شده‌است عبارت‌اند از: هنر فرهنگی، ادبیات (نک. آثار شریفیان)، رویدادهای فرهنگی، سرودهای محلی (نک. آثار بارانینه کوکزی^۱)، مناسک، رفتار غیرکلامی و احساسات. البته بایستی متذکر شد نمونه‌های موجود به این موارد محدود نمی‌شود. به سبب بازتاب این مفهوم‌سازی‌ها در بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان، کاوش در زمینه مفهوم‌سازی‌های فرهنگی به زبان و زبان‌شناسی محدود نیست؛ پژوهشگران بسیاری از رشته‌های متفاوت، مانند مردم‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات، جامعه‌شناسی، الهیات و هنرهای زیبا می‌توانند در زمینه مفهوم‌سازی فرهنگی پژوهش کنند.

^۱. Baranyine Kóczy



شکل ۳. ارتباط مفهوم‌سازی فرهنگی با حوزه‌ها یا رشته‌های مختلف

۳.۱ چارچوب تحلیلی «زبان‌شناسی فرهنگی»

«زبان‌شناسی فرهنگی» مبتنی بر این فرضیه است که بسیاری از ویژگی‌های زبان‌های بشری مفهوم‌سازی‌های فرهنگی را رمزگذاری کرده‌است یا با مثال‌هایی روشن نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، مفهوم‌سازی‌های فرهنگی در ویژگی بسیاری از زبان‌های بشری تثبیت یا جاسازی شده‌است (نک. بخش ۱.۱). چارچوب تحلیلی «زبان‌شناسی فرهنگی» ابزار مفیدی به‌دست می‌دهد که از طریق آن می‌توان ویژگی‌های زبانی را بررسی و با این روش رابطه میان زبان و مفهوم‌سازی‌های فرهنگی را تحلیل کرد. این ابزار شامل «طرح‌واره‌های فرهنگی»، «مقوله فرهنگی» و «استعاره فرهنگی» است. طرح‌واره‌ها یا زیرطرح‌واره‌های فرهنگی شامل باورها، هنجارها، مقررات، انتظارات رفتاری و همچنین ارزش‌های مربوط به جنبه‌ها و بخش‌های گوناگون تجربه است. نمونه‌ای از طرح‌واره فرهنگی طرح‌واره‌ای است که ملکلم^۱ (۲۰۱۷، صص. ۶۳۷-۶۳۹) طرح‌واره چیزهای توسناک می‌نامد. طبق آن، «استرالیای‌های بومی که به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند، قادر هستند درباره اعمال نیروهایی که

^۱. Malcolm

ورای کنترل‌شان است و بر زندگی آن‌ها تأثیری می‌گذارد صحبت کنند» (ص. ۶۳۷).^۱ غیربومیان استرالیا چیزهای ترسناک را فراطبیعی می‌نامند. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های فرهنگی — شامل مقوله‌های مفهومی مانند رنگ‌ها، احساسات، صفات، مواد غذایی، اصطلاحات خویشاوندی، رویدادها و غیره — بر ساخته فرهنگ است که در وهله اول در واژگان زبان‌های بشری نمود پیدا می‌کند. نمونه‌ای از مقوله فرهنگی، در انگلیسی استرالیایی‌های بومی، واژه باهوش است که یکی از معانی‌اش «از لحاظ معنوی قدرتمند» است. استعاره‌های فرهنگی، مفهوم‌سازی‌هایی بین‌حوزه‌ای هستند که ریشه در سنت‌هایی مانند طب سنتی، جهان‌بینی یا نظام اعتقادی و دینی دارند. در نمونه‌ای از استعاره فرهنگی مربوط به انگلیسی استرالیایی‌های بومی، که در زیر مطرح شده‌است، زمین به مثابه یک انسان است:

برای التیام زخم‌های زمین همه ش‌ها را به آتش خواهیم کشید.

چارچوب تحلیلی «زبان‌شناسی فرهنگی» در شکل ۴ به تصویر کشیده شده‌است؛ این شکل نشان می‌دهد چگونه ویژگی‌ها و سطوح گوناگون زبان، از ویژگی‌های واژی-نحوی گرفته تا گفتمان و معنی از لحاظ معناشناختی/ کاربردشناختی در مفهوم‌سازی‌های فرهنگی — که در قالب طرح‌واره‌های فرهنگی، مقوله‌های فرهنگی و استعاره‌های فرهنگی شکل می‌گیرند — جاسازی می‌شوند. رنگ از حوزه‌های بسیار مهم پژوهش در زمینه مفهوم‌سازی‌های فرهنگی است. زبان‌های مختلف مفهوم‌سازی‌های متفاوتی را به رنگ‌ها ارتباط می‌دهند. مثلاً، گاه در یک زبان مثل انگلیسی به لطف شکسپیر از طریق طرح‌واره‌های فرهنگی خاص از رنگ سبز برای تداعی حس حسادت استفاده می‌شود.

۱. «انگلیسی بومی» در کل کتاب اصطلاحی است که به‌طور کلی برای اشاره به گونه‌های بومی‌شده زبان انگلیسی توسط بومیان استرالیایی به‌کار می‌رود. اینجا واژه‌هایی که معنی آن‌ها در انگلیسی بومی استرالیایی در مقایسه با انگلیسی استرالیایی یا سایر گونه‌های زبان انگلیسی متفاوت است/یراتیک تایپ شده‌اند؛ مثلاً، بومیان استرالیایی برای نوشتن واژه تاسف، در معنایی متفاوت از آنچه استرالیایی‌های غیربومی به‌کار می‌برند، از همین روش استفاده می‌کنند (نک. بخش ۵.



شکل ۴. چارچوب تحلیلی «زبان‌شناسی فرهنگی»

اما در زبانی مانند عربی، زبان مسلمان‌ها، رنگ سبز ممکن است رنگی معنوی باشد و بهشت را تداعی کند. آنگونه که پژوهش‌های افرادی مانند پالسن^۱، اوسکولا^۲ و بریندل^۳ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد، هر زبانی می‌تواند مقوله‌سازی‌های متفاوتی از رنگ داشته باشد. در این رابطه، کانکلین^۴ (۱۹۹۵، ص. ۳۴۰) مدت‌ها قبل متوجه شده بود «تحت شرایط آزمایشگاهی، همه جمعیت‌های بشری، فارغ از زبانی که به آن صحبت می‌کنند، بین رنگ‌ها تمایز قائل می‌شوند، اما روش زبان‌های مختلف برای دسته‌بندی میلیون‌ها رنگ» که در آن هر فرد به‌طور طبیعی بتواند آن‌ها را از یکدیگر متمایز کند. تفاوت است. بسیاری مانند اوچیکاوا^۵ و بوینتون^۶ (۱۹۸۷) در مطالعات خود تفاوت در مقوله‌سازی رنگ‌ها، به‌ویژه سبز و آبی، میان متکلمان ژاپنی و انگلیسی-آمریکایی را نشان داده‌اند. طبق بررسی کوریکی^۷ و گروه پژوهشی‌اش (۲۰۱۷، ص. ۲)، «واژه‌های ژاپنی /و^۸ و می‌دوری^۹ به معنای آبی و سبز، کمابیش

1. Paulsen

2. Uuskula

3. Brindle

4. Conklin

5. Uchikawa

6. Boynton

7. Kuriki

8. Ao

9. Mi-dori

به جای هم به کار می‌روند [...] در ژاپنی امروزی واژه/و همچنان به سبز اشاره دارد. علاوه بر این، به عنوان یک اصطلاح انتزاعی در حوزه رنگ برای اشاره به آبی نیز استفاده می‌شود. اما می‌دوری همواره صرفاً برای اشاره به سبز به کار می‌رود». این نشان می‌دهد زبان‌ها/استعاره‌های فرهنگی گوناگونی درباره رنگ‌ها دارند. برخی عبارت‌های انگلیسی بیان‌کننده این نوع استعاره‌های فرهنگی عبارت‌اند از: دروغ سفید، گوسفند سیاه، بازار سیاه، طنز سیاه، سن سبز، نوار قرمز. دروغ بی‌ضرر و جزئی به عنوان دروغ سفید و فردی که مایه سرشکستگی خانواده است به عنوان گوسفند سیاه در آن خانواده مفهوم‌سازی می‌شود. سن سبز یعنی زمانی که فرد سن بالایی دارد، اما سالم است و قوای جسمانی‌اش را از دست نداده است. نوار قرمز نیز به معنی مقررات دست و پاگیر است.

یکی از جنبه‌های مهم در زندگی مفهومی انسان‌ها توانایی در مفهوم‌سازی‌های مجدد از مفاهیم فرهنگی موجود است. اهمیت این پدیده امروزه دو چندان شده است، زیرا روندهایی مانند تجارت فراملیتی، استعمار و جهانی‌سازی روزافزون ارتباط بین جامعه‌های زبانی متفاوت و در نتیجه نظام‌های مفهوم‌سازی فرهنگی گوناگون را تقویت کرده است. اقتباس یا ادغام تعدادی از مفهوم‌سازی‌های فرهنگی در یک نظام مفهومی-معنوی، مانند دین در نظام محلی، نمونه اصلی مفهوم‌سازی مجدد به شمار می‌رود. مثلاً امروزه در مورد مراسم «کریسمس»، به عنوان مفهومی فرهنگی، در بسیاری از جوامع غیرغربی و غیرمسیحی همین مفهوم‌سازی مجدد رخ داده است. اقتباس‌های محلی از مفهوم‌سازی‌های فرهنگی شامل تغییرات در سطح مقوله‌های فرهنگی است. مثلاً، درباره طرح‌واره کریسمس مقوله فرهنگی «جشن کریسمس» شامل زیرشاخه‌هایی است مانند «هدیه‌های کریسمس، غذای کریسمس و نوشیدنی‌های کریسمس». می‌توان کل مقوله مراسم کریسمس را بیشتر به عنوان جشنی غربی مفهوم‌سازی کرد تا یک مناسبت مذهبی. بدیهی است که مراسم کریسمس حتی در دنیای غرب نیز چندین بار طی تاریخ مفهوم‌سازی مجدد شده است. این مفهوم‌سازی‌ها از کریسمس به عنوان یکی از جشن‌های بت‌پرستی شروع شد (یول^۱) و با مفهوم‌سازی به عنوان یک رویداد فرهنگی مسیحی شکل گرفت تا اینکه اخیراً در بسیاری از موارد از شکل یک مراسم مذهبی خارج و به مناسبتی تجاری یا صرفاً دورهمی‌ای خانوادگی تبدیل شد.

روز ولنتاین (که از جشن باروری رومیان قدیم در لوپرکالیا^۲ سرچشمه می‌گیرد)، روز شکرگذاری و هالووین نمونه‌هایی دیگر در حوزه مقوله‌های مربوط به مراسم هستند که مجدد مفهوم‌سازی شده‌اند. در برخی از نقاط دنیا مانند چین مردم مراسم روز شکرگزاری را برای تشکر از

^۱. Yule

^۲. Lupercalia

معلمان و والدین جشن می‌گیرند نه برای شکرگزاری از خداوند به خاطر برکاتی مانند محصول کشاورزی سالیانه، آنگونه که این سنت در ایالات متحده آمریکا اجرا می‌شود.

به‌طور کلی، مفهوم‌سازی مجدد به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود؛ مثلاً، در روشی با عنوان مفهوم‌سازی مجدد بین‌فرهنگی، عناصری از نظام‌های مفهومی موجود در جوامع زبانی یا سنت‌های فرهنگی گوناگون انتخاب و ادغام می‌شوند.

در فصل دوم به بحث عمیق‌تر و همچنین ارئه مثال‌های بیشتر از ابزارهای تحلیلی و کاربردی در «زبان‌شناسی فرهنگی» می‌پردازیم. در جمع‌بندی فصل اول، بهتر است به ارزیابی روزلین فرنک^۱ از «زبان‌شناسی فرهنگی»، به عنوان مسیر آتی در پژوهش‌های متمرکز بر زبان و فرهنگ، نگاه بیندازیم.

۱.۴. ارزیابی «زبان‌شناسی فرهنگی»

به عقیده فرنک، (۲۰۱۵، ص. ۴۹۳) «زبان‌شناسی فرهنگی» قابلیت ارائه‌دادن الگویی را دارد که بتواند با موفقیت رویکردهای مکمل را کنار هم جمع کند— مثلاً رویکردهایی که زبان را به‌عنوان «نظام تطابقی پیچیده»^۲ می‌بینند و از این طریق مفاهیم برگرفته از علوم شناختی مانند «شناخت توزیعی» و «نظریه نظام‌های پویای چندعاملی»^۳ را به‌کار می‌برند. طبق مشاهدات فرنک، چارچوب «زبان‌شناسی فرهنگی» با تغییر پارادایم‌های اصلی در علوم شناختی سازگار است. این پارادایم از دیدگاه‌های «سطحی‌نگر» و «شناخت‌گرایی کلاسیک» به «شناخت‌گرایی پویا» تغییر جهت داده‌است. سپس فرنک فرضیه «زبان‌شناسی فرهنگی» را اینگونه شرح می‌دهد: فرضیه‌ای که ساخت، ظهور و رواج مفهوم‌سازی‌های فرهنگی را به‌عنوان نمونه‌ای از یک نظام تطابقی پیچیده تلقی می‌کند که با دیدگاه ذات‌گرایان^۴ در خصوص زبان و فرهنگ در تضاد است. علاوه‌براین، اشاره می‌کند در «زبان‌شناسی فرهنگی» شناخت فرهنگی عملی اجتماعی دانسته می‌شود که همواره با شناخت‌گرایی پویا و رویکرد نظام‌های پویا سازگار است. افزون بر این، فرنک رویکردی را که با عنوان «شناخت توزیعی اجتماعی» شناخته می‌شود ارزیابی و خاطرنشان می‌کند که این رویکرد ورای سطح فردی در جریان است تا «تعاملات بین مردم و محیط و پدیده حاصل از تعامل‌های اجتماعی» را کندوکاو کند (فرنک، ۲۰۱۵، ص. ۲۰۱). به گفته او، اصول و چارچوب نظری «زبان‌شناسی فرهنگی» بسیار با اصول

^۱ Roslyn Frank

^۲ Complex Adaptive System (CAP)

^۳ Multi-agent dynamic systems theory

^۴ ذات‌گرایی (Essentialism) نظریه‌ای است که بر اساس آن مقوله‌های انسانی، مانند زن، مرد یا اعضای قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف، ویژگی‌ها و مشخصه‌های ذاتی متفاوت دارند.

و چارچوب رویکرد مذکور همخوانی دارد. از نظر فرنک، مرزهای «زبان‌شناسی فرهنگی» چنان باز است و ماهیت این رشته چنان بین‌رشته‌ای است که آن را به «چتری بین‌رشته‌ای و انعطاف‌پذیر برای پژوهش‌های آتی در زمینه زبان و فرهنگ» تبدیل کرده‌است (فرنک، ۲۰۱۵، ص ۴۹۳). او اینگونه نتیجه می‌گیرد که «زبان‌شناسی فرهنگی» تلاش می‌کند پلی باشد برای گردهم‌آمدن پژوهشگرانی از رشته‌های گوناگون با دیدگاهی جدید برای تمرکز بر مسائل مورد علاقه مشترک و یافتن مسائل و راه‌حلهایی که تاکنون از نظرها دور مانده‌است» (فرنک، ۲۰۱۵، ص ۵۰۷).